بهاول ملک عبدالرحیم زی ۲۰۱۵/۱۰/۱۸

ارمغان زندان

اندیشه انکشاف اقتصادی کشور و معضلات پیش راه

قسمت سوم

از همان روز نخست که متصدي امور ماليات كشور گرديدم، تنها به توازن بودجه عادي دولت قناعت نداشته، هدف اصلی ام آنبود تا كشور را از مخمصه اقتصادي و مالي (كه از سالها پيش سردچار بود و بدين جهت نميتوانست در ساحه انكشافات اقتصادي، اجتماعي و عرفاني قدمي بردارد)نجات دهم. بنابرين بعد تدوين قانون محاسبات عمومي و قوانين مختلف ماليات (كه در گذشته هرگز وجود نداشت) و همچنان تأسيس ديوان محاسبات و اصلاح تشكيلات وزارت ماليه و مربوطات آن، در پي ترتيب پلان مالي شدم.

اين پلان را هم با در نظر گرفتن انكشاف شقوق ديگر اقتصادي بر روي منابع خود كشور تنظيم كردم. البته هدفم در طرح و تدوين اين پلان تمويل پروژه‌هاي انكشافي مثمر و زودثمر اقتصادي و انكشاف اجتماعي و عرفاني كشور بود.

اما وقتيكه اين پلان را به مجلس عالي وزراء سپردم، چون بر عايدات عمده و املاك بزرگ درين پلان، ماليات مترقي تطبيق ميگرديد و باز قسمت زياد ازين منابع عمده مالياتي در دست خود خاندان شاهي از جمله سردار محمد داودخان صدراعظم و معاون و برادرش سردار محمدنعيم خان قرار داشت. ايشان آن پلان را به ليت و لعل قرار دادند. بالنتيجه روي بهانه‌هاي عجيب و غريب در رَوک ميز مجلس عالي وزراء فرو برده شد.

وقتيكه در سال بعد (1333) متصدي امور وزارت اقتصاد ملّي گرديدم از معوق ماندن پلان مالي درس عبرت حاصل كرده، مسئله طرح و تنظيم پلان اقتصادي را كه از پيش در فكر آن بودم، قبل از آنكه به اطلاع صدراعظم و شاه و يا لااقل ديگر وزراء كابينه برسانم و يا در چنين يك امر خطير و بي سابقه، تصويب و موافقت كابينه و يا دست كم، فرمان مقام سلطنت را اخذ نمايم، به استناد همان پروژهٔ پلان مالي كه در دست داشتم، ارادة طرح يك پلان انكشاف اقتصادي، اجتماعي و عرفاني را كردم.

فلهذا عده‌اي متخصصين اقتصادي و اهل خبره را جمع ساخته، به كميته‌هايي در شقوق مختلفه اقتصادي و مالي جدا نموده، به هر يك از آنها جهت تنظيم بخش‌هاي مختلف پلان اقتصادي، سؤال‌ها و ازينطريق به آنها وظايف پلان‌سازي را دادم. تعداد اين كميته‌ها به هفت شق مختلف اقتصادي ميرسيد.

همچنان كنفرانس مطبوعاتي را نيز داير نموده، جريان كار متذكره را ازينطريق در همان روز به ملاء عام نيز رسانيدم.

اينكارم بر ارباب قدرت يا خاندان شاهي كلاً و خاصتاً بر سردار محمد داودخان صدراعظم و سردار محمد نعيم خان معاون و برادرش خيلي مشكل واقع شد و فوق‌العاده تكان خوردند.

چنانچه به شام همانروز (روز 3 عقرب 1333) كه در سفارت عربستان سعودي به مناسبت جشنوارة روز ملي عربستان سعودي جمع شده بوديم. سردار محمد داودخان صدراعظم عندالورود به سالن سفارت بعد تعارف با سفيركبير آن سفارت همه مدعوين را گذاشته رأساً نزد من آمد . بعد از احوال پرسي به من چنين گفت: "وزير صاحب! همين شام اعلاني عجيب شنيدم. آيا خودت پلان اقتصادي مي‌سازي؟" من به جوابش گفتم: بلي! وي گفت: "چرا در اين مورد با من مصلحت نكردي؟" من بهش گفتم: "اين كار من است. من چرا در هر كار به شما مراجعه كنم؟ او گفت: " آخر اين چه جوابست كه به من مي‌دهي؟ آيا در يك چنين كار بي سابقه و بس بزرگ چگونه بدون مشورت من اقدام مي‌كني؟"

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

با آنکه من مي‌دانستم که براي اقدام به يك چنين کار بس بزرگ بايد بسيار فورماليته‌هايي طي ميشد. اما از آنجايي که سرو کار من با چنان کساني بود که آنها به هيچ وجه در فکر رفاه و آسايش مردم رنجبر ما نبوده، بلکه همواره در فکر استثمار ثروت کشور بوده، عالماً و عامداً مانع چنان تحولات مي‌گرديدند. عليهذا خود را به در نافهمي (تجاهل عارفانه) زده به وي گفتم: چند روز پيش پست مهم و پر مسئوليت وزارت اقتصاد ملّي را به رغم خواست من بر من تحميل نموديد. اگر وزير سلف من (داکتر عبدالروف خان) به چنين کارها مي‌پرداخت هيچگاه ناکام نمي‌شد و مجبور به استعفا نميگرديد، و شما هم ازين ناحيه مورد ملامت قرار نمي‌گرفتيد. زيرا از روزيکه ما سياست اقتصادي خود را به اصول اقتصاد رهبري شده "اکونومي دريژه " اعلان کرديم، بايست متعاقب آن در وزارت اقتصاد ملّي اداره پلان‌سازي تشکيل مي‌شد و باز بوسيله همين سازمان دست به طرح و تنظيم پلان مي‌يازيد و کذا اين مسائل از طريق اعلان راديويي و خبرهاي منتشره در مطبوعات به اطلاع عامه رسانيده مي‌شد. اما در عمل طوريکه همه مي‌دانيم، ازين چيزها ديده نمي‌شود. حتي لااقل در کابينه و مجالس خصوصي وزراء هم روی اين مسايل گفت و شنودي به عمل نيامده است! از آنجاکه پست وزارت اقتصاد ملّي از من ايجاب اينرا مي‌نمود که بايست نخست در تشکيلات وزارت اقتصاد ملّي تجديد نظر کرده، اصلاحاتي ازين ناحيه به عمل بياورم. من بعد از آنکه در سازمان‌هاي وزارت اقتصاد ملّي ادارة پلان‌سازي و يك دفتر احصائيه را بنيان کردم. وظيفه مهم بعدي من آنبود که به طرح يك پلان علمي انکشاف اقتصادي و اجتماعي و عرفاني مي‌پرداختم. فلهذا طوريکه اعلان آنرا شنيديد، امروز همين کار را هم آغاز کردم ، تا ازينطريق کشور را به سوی انکشافات استقامت داده باشيم و بالنتيجه از شماطت مخالفين که در هر گوشه و کنار پيوسته چنين صداها بر مي‌آورند: که "چه شد نتيجة اين اقتصاد رهبري شده در کابينة سردار محمدداودخان که اعلان کرد؟" رهانيده شده باشيم! و باز اگر شما در فکر چنين تحولات نمي‌بوديد بايست مرا برين کار خطير و پر مسئوليت نمي‌گماريديد؟! از يك سو بر علاوه آن پست مهم وزارت ماليه که درين مدت کم به کلّي مرا فرسوده ساخته، به عذر بار بزرگ اقتصاد ملّي را بر من تحميل کرديد. اما از سوي ديگر چنان بر کارهاي بسيار ضرور و مهم که درين ساحه بايد اجرا نمايم، خرده مي‌گيريد؟!

سردار محمد داودخان به همة اين ادله‌هاي منطقي و علمي من کمتر گوش کرده باز چنين گفت: "حکومت‌هاي گذشته با همة آن تشکيلات عريضي که براي اينکار ساختند و باز در آن جلسه‌هايي که همه وقت براي مذاکره اين امر دايرمي‌گرديد و هفت خوان نعمت هم به مخارج هزارها افغاني از وجوه خزاين اين دولت مي‌گستردند، سرانجام نه آنکه هيچ کرده نتوانستند، بلکه با ناکامي مطلق مواجه گرديدند! تو به هيچ وجه نخواهي نتوانست اينکار را به سر برساني! از اينرو فوراً به وسيلة اعلان ديگر، اعلان سابق خود را باطل بساز!"

من به جوابش گفتم: در طول همکاري ما و شما، برايتان ثابت شده باشد، در کارهايکه من دست يازيده‌ام، به فضل خداي توانا آنرا به سر رسانيده‌ام. اينکار هم انشاالله تعالي به سر رسانيده خواهد شد. باري برعکس تشکيلات عريض بي ثمر گذشته، درين کارکميته‌ها و کميسيون‌هاي تخصصي واهل خبره در شقوق مختلف اقتصادي، روي اهداف پلان اقتصادي که طرح و تدوين آن مورد نظر من است، گماشته شده است. سؤالاتي که به ايشان سپرده‌ام نيز واضح بود. ايشان براي تکميل آن مطالب و حتي جواب‌ها صلاحيت علمي و تجربه اداري داشته، وسايل لازم اينکار را برايشان تهيه مي‌بينم و بدقت تمام رهبري اين عده را شخصاً به دوش دارم. از آن گذشته درينکار جز مصرف قرطاسيه کدام مخارج ديگري همانند آن چيزهايي که طبق گفته شما در پيش از تصدي من به کار مي‌رفت وجود ندارد. اين عده به جز آن ماکولات عادي که از طرف دولت معمولاً به همه مامورين در وقت کار داده مي‌شود مصارف اضافي (همانند مخارج تأمين نعمت‌هاي هفت خوان اسبق) را به کار ندارند. ايشان مي‌دانند که براي اصلاح حال طبقات بسيار فقير و بيروزگار کار مي‌کنند. پس مخارج گزاف را جهت تنعيم و نفس پرستي خود حرام مطلق مي‌دانند و باز من بحيث رهبرشان زندگي فقيرانه دارم. فلهذا به ايشان نيز اجازه اسراف کاري‌ها را نميدهم!.

داودخان صدراعظم به درجة ازين عمل متأثر ديده مي‌شد که همهٔ دلايل مرا باز ناشنيده دانسته، به من دستور داد، تا از طريق يك اعلان ديگر، اعلان پلان‌سازي خود را باطل سازم. او افزود : "درين وقت امکان اين چنين کارها دور از پروگرام و مقدورات ماست" .

من ديدم که ايشان (خاندان شاهي) به هيچ وجه ترفيه و آسايش مردم را نمي‌خواهند و همچنان انکشاف کشور را؟! پس اگر من هرچه درين راه سعی نمايم، اين دستگاه حاکمه روي قدرتي که در دست دارند، مانع کارهاي من ميگردند. بنابرين نزد خود چنين

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

فیصله کردم که "یا تخت است و یا تابوت"، بدین معني که یا از کریدت که در حال موجوده نزد ایشان دارم، از آن به نفع هموطنان مستمند و رنجبر خود استفاده نمایم، یا برعکس خود از بین خواهم رفت.

من درینوقت جانب مردم بیچاره و مستمند خود را گرفته به سردار محمدداودخان جداً و به طور قاطع گفتم: "من در چنین شرایط نمي‌توانم به این دو پست مهم "وزارت مالیات" و "وزارت اقتصاد ملّي" ادامه وظیفه نمایم، زیرا شما مرا به کار نمي‌گذارید ! به آنچه که در حیطة صلاحیت من است و روي ایجاب وضع بحراني اقتصادي روز باید به توازن بودجه و انکشاف آن بپردازم، مداخله مي‌کنید و مرا به ابتکار عمل در یك چنین وظیفه بس مهم نمي‌مانید. بنابرین از همین لحظه مرا ازین پست‌ها مستعفي دانسته، بجاي من کسي دیگر را برگزینید و باز بوسیله وي اعلان دیگري به نَسخ اعلان امروزة من نشر کنید!

این اظهارت من خاصتا تهدید استعفا، وي را چنان تکان داد که، چهره‌اش از هراس زیاد متغیر شد. بلا معطلي به من نزدیك گردیده و دست به چانه من پیش کرده اظهار نمود: " آزرده نشو. من بهت مشورت دوستانه پیش کردم، وقتیکه آنرا نپذیرفتي، چنانکه میخواهي عمل کن. نه من و نه دیگري مانع کارهایت خواهد شد."

من از سیمایش درك کردم که آنچه مي‌گوید روي عقیده و خلوص نیّت نبوده، بلکه از روي احتیاجیکه درین وقت بس مهم و بحراني به من دارد، ظاهراً او را مذعن به قبول چنین چیز مي‌نماید. اما باطناً از همین آن در مقابلم کینة عمیقي را به قلب و خاطرة خویش پرورانید.

به همه حال توکّلت علي‌الله گفته از خود گذشتم، و نفع جامعه را د ر ادامه آنچه که بیان کردم مرجح دانستم. بنابرین به شطارت تمام در تنظیم و تربیت پلان اقتصادي و ازینطریق به انکشاف اقتصادي و اجتماعي و عرفاني کشور عزیز ادامه دادم.

طوریکه تذکر یافت، پیش از آنکه پلان سازی را اعلان نمایم ، اداره‌ء را بنام ریاست پلان در وزارت اقتصاد ملی تاسیس نموده بودم. همچنان اداره در خورکاری را که ممد ومتمم تشکیلات پلان سازی باشد، بنام احصائیه تاسیس نمودم (***این دو تشکیل بعداً به وزارت خانه ها مبدل گردیدم***).متعاقباً طرح و تنظیم پلان را اعلان کرده، دست بکار پلان سازی زدم .

جهت تنظیم پلان کمیته های اختصاصی و اهل خبره را برگزیدم. بیاری خدای توانا قدرت آنرا هم داشتم که سوال های لازمه را برای هر کمیته طرح کنم و اوشان را در ساحه تخصص و علمیت شان، روی اهداف معین و واضح بکار بگمارم . از آنگذشته پیوسته مراقب کار و فعالیت های شان بوده ،مشکلات آنها را لحظه به لحظه رفع میکردم . از این طریق آنچه هر یک ازکمیته مربوط به تخصص خویش می طلبید ،بدون وقفه بدسترس شان گذاشته میشد. این کمیته ها مکلف بود که وقتا فوقتا راپور جریان کار خویش را تنظیم نموده ،بعد ملاحظه من آنرا به اطلاع عامه رسانیده باشند.اینکار در عمل هم تطبیق یافت، جراید و روزنامه های آنروز گواه این حقایق می باشند.

باری پلان اول بدین وجه و شکل مرحله طرح و تنظیم و تدوین خود را طی نموده ، بعد غور و تصدیق کمیسیون پلان سازی خبر تکمیل آن باز بوسیله یک مصاحبه مطبوعاتی به ملا عام رسانیده شد .

زنگ خطر از همین لحظه به صدا در آمد .خاندان شاهی که تا آن لحظه اقدام پلان سازی و اعلانات مرا یک بازی طفلانه تصور میکردند . به اثر اعلان مربوطه شوک خورده ،اینبار خود را به یک کار انجام شده (امر واقع)دیگر یافتند،که در عمل هرگز امر انجام آنرا نمی خواستند .

آنچه بیشتر ایشان را به واهمه و ترس می انداخت، قانون بانکی و قانون حمایه ارزش پول رایج افغانی بود که توأم با پلان پیش کردم . این دو قانون نه آنکه در آینده مانع قاچاق و انتقال اسعار خارجی در بانک های خارج میشد، بلکه همه آن اسعاریرا که در پیش از آن به بانک های خارج انتقال داده شده بود ، بایست در مدت سه ماه دوباره به کشور نقل داده میشد.

بنابرین دست به توطئه ها زده میخواستند از طریق پخش آوازه های گوناگون (بوسیله دستگاه استخبارتی و دوستان خود)در بین مردم رعب و ترس نسبت به من تولید نمودند .تا از این طریق مرا زیر تهدید قرار دهند و بدینوسیله از مورد عمل قرار دادن صفحات بعدی پلان باز دارند . اما من کسی نبودم که با چنین حرکات ونمایش (پای دب دب)ها بترسم و از آن

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

کاریکه به رنج زیاد و از خود گذری ها از مرحله مهم احضار گذشتانده بودم صرف نظر کنم . فلهذا بدون ترس و واهمه پلان را به مجلس عالی وزرا تقدیم کردم.

در روز مذاکره پلان درامه یا صحنه عجیبی به وجود آمد . من بدون اخذ اجازه صدراعظم، همه آن متخصصین را که در احضار پلان کار کرده بودند وتعداد آنها به چهل نفر میرسید ، با خود به سالون مجلس عالی وزراء داخل ساخته، به یک صف ایستاده نموده بودم . عندالورد صدر اعظم به آن سالون که علی الاکثر با برادر و معاون خود یکجا میامدند، ایشانرا معرفی نموده و گفتم که میخواهم امروز پلان را مورد مذاکره کابینه قرار دهم . بنا برین اینعده خدمتگذاران صدیق کشور نیز نسبت به خدمت بزرگی که در تنظیم و ترتیب پلان نموده اند ، بایست در حین مذاکره پلان حاضر باشند، تا هر یک در مورد تخصص خود به پرسش وزیران جواب بگویند . صدر اعظم علی الظاهر با اوشان تعارف نمود ، بعداً سوی کرسی خویش رفت .

من از پیش ترتیبی داشتم تا آنعده بشکل نیم دایره به دور میز مجلس وزرا قرار گیرند . چنانچه هریک از آنها به جاهایکه برایشان تعین کرده بودم، قرار گرفتند . در افتتاح مجلس من صدر اعظم و دیگر وزرا را طرف خطاب قرار داده، چنین گفتم :پلانی را که همه از ناممکنات میدانستند اینک به همکاری این دوستان و همکارانم در مدت کمتر از یکنیم سال طرح ،تنظیم و تدوین کردیم. اکنون به اجازه صدر اعظم و رفقا بوسیله یکی از ایشان آنرا در مجلس قرائت نموده ، مورد تدقیق و تصویب رفقای کابینه قرار میدهیم . متصل این گفتار بدون آنکه کسب اجازه کرده باشم به شاغلی عبدالله یفتلی که از جمله همین متخصصین بود، دستور دادم تا پلان را قرائت کند . در اینوقت سردار محمد داود خان صدر اعظم و معاونش محمد نعیم خان سکوت را شکستانده، پیش از آنکه پلان را برای قرائت بگذارند از من پرسید، که پلان چه؟ من به جوابشان گفتم :

پلان انکشاف اقتصادی ،اجتماعی و عرفانی رادر مدت کمتر از یکنیم سال به کمک این عده متخصصین و اهل خبره تنظیم و تدوین کردیم و بعد تدقیق و غور کمیسیون اقتصادی وتأیید آنها اینک جهت طی مراحل قانونی برای تدقیق وتصویب مجلس هیئت وزرا در این مجلس قرائت میشود، تا بعد از تحقیق و تصویب کابینه به پارلمان کشور تقدیم گردد !

این دو برادر(داود و نعیم) همه آن توضیحات را نادیده و ناشنیده قرار داده ، با صدای بلند تر گفتند: کدام پلان و برای کدام غرض؟ همین وقت بود که من نرمش را از دست داده ، به شدت میز مجلس را با دست کوبیده فریاد بر آوردم : فقر وبیروزگاری مردم ، پسمانی واحتیاج کشور ما را بوضعی درآورده که اکنون موجب طعن و لعن هر از خود و بیگانه گردیده ایم . بخاطر آن چیز هایکه با سعی و صرف سرمایه، درخودکشور به وفور تولید شده میتواند، دست تکدی ما به هر جا دراز است . بر ماست که اینهمه بدبختی ها و پسمانی هارا پایان دهیم و باز اگر اصلاً اینکار ها را انجام داده نمیتوانیم ، پس چرا این پست های مهم را ترک ندهیم؟ من برای رفع این مسئولیتهای کابینه و حکومت از یکنیم سال پیش در پی طرح یک پلان انکشافی شدم . شما در آنوقت انجام اینکار را از نا ممکنات میدانستید و به من دستور دادید که، از اینکار صرف نظر کنم! اما من از یکسو بشما اطمینان دادم که، انشاالله تعالی اینکار بسر میرسد ومن نمیتوانم از اجرای آن صرف نظر کنم! باز بخاطر داریم که بیش از بیست و چهار سال بودجه دولت به کسر مزمن و فاحشی مواجه بود. هیچ یک از حکومت های پیش از کابینه ما به رفع این عدم توازن بودجوی نپرداخت. فلهذاکشور ازاین نگاه در هر ساحه به شرایط بدتر از قرون وسطی قرار گرفت . چنانچه پس از آنکه پارلمان کشور به دور کابینه سردار شاه محمود خان آزادی نسبی را مالک شد. وکلای دوره هفت و همچنان دوره هشتم مرجع قانون ساز، روی قطعنامه رسمی خویش مسله عدم توازن بودجه ، فقدان حساب قطعیه توأم با بودجه ، نبودن قانون تشکیلات اساسی و قانون محاسبه عمومی را مورد اعتراض شدید قرار داد . و پیوسته در قرار های همه ساله خود بر حکومت فشار وارد می ساخت. بدینوسیله اجرا و تکمیل مسایل فوق را میطلبید. اما متقابلا حکومت از این دستور معقول و قانونی و طبیعی پارلمان سرزده ، خود را مجبور به تطبیق آن نمیدید .

وقتیکه نوبت به کابینه ما رسید ، ما نیز طوریکه مکتوب 3401\2878 مورخه28 حوت 1332 دارالانشای مجلس عالی وزرا، معنونه شورای ملی واضح است . بر غور عین اعتراضیه و قطعنامه پارلمان که درینوقت توأم با رد و عدم تصویب بودجه آن سال به کابینه جدید التشکیل ما راجع شده بود، مجلسی کردیم. چنانچه درین مجلس هم وزرای سابقه دار بار دیگر طبق معمول گذشته، علیه این قطعنامه قانونی پارلمان احتجاج نموده صدا های اعتراضیه بالا کردند، و می خواستند از اجرای آن انکار

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

کنند . زیرا ایشان اینکار را بطور مطلق غیر ممکن گفته ، قطعنامه پارلمان را، خواستهٔ دور از حق و واقعیت میدانستند . حالانکه اینکار در کافه کشور های پارلمانی، قانوناً مورد تطبیق قراردارد . این وجیبهِ است که مواد 99 /100 /101 قانون اساسی سال1310 کشور خود ما آنرا وظیفه بدون چون و چرا قانونی حکومت دانسته است . اگر احیانا اینکار واقعا ناممکن میبود . بازهم عوض تخلف از احکام صریح قانون اساسی بهتر بود، در طول این مدت بیش از 24 سال که از عمر تطبیق این قانون بس مهم میگذرد . همان مواد قانون مزبور ، تعدیل ویا نسخ قرار داده میشد .

من میگویم در حالیکه فشار تطبیق این مواد سر تاسر متوجه وزارت مالیه بود . باز هم یگانه کسی که در کابینه به این دستور های پارلمان مذعن گردید، من بودم. زیرا من نمیخواستم که از چنین یک احکام صریح قانون اساسی و باز قطعنامه پارلمان کشور که به استناد همان مواد قانون تصویب گردیده بود ، سرکشی کنم . بنابرین به همه مخالفت های که کافه اعضای کابینه در برابر قطعنامه مزبور میکردند قیام نموده، به تهدید استعفا و ترک همکاری با کابینه دیگران را مجبور به قبول جواب مثبت پارلمان و تصویب آنچه پارلمان مزبور میخواست مجبورساختم . چنانچه قطعنامه مزبور در برج حوت سال 1332 مورد تصویب مجلس عالی وزرا قرار گرفت. گویا اجرای اینکار بعد توشیح شاه یکبار دگر جنبه قانونی را حاصل کرد. فلهذا من در پی انجام این تعهد شده به جدیت تمام اجرای چنین کاری را که در کابینه های اسبق مشکلتراز برداشتن کوه آسمایی معرفی شده بود ، در مدت کمتر از شش ماه انجام دادم . بدین معنی که بودجه بکلی صبغه علمی را در بر گرفت . عدم توازن مرئی و غیر مرئی بودجه را با بلند بردن آن به بیش از یکهزار و یکصد میلیون افغانی از حالت رقت بار پنجصد میلیون افغانی اسبق از بین برداشتم . حساب قطعی تطبیقات بودجه سال پار را توأم با بودجه همان سال 1333 بشکل قانونی و با صبغه علمی تقدیم کردم. قانون تشکیلات اساسی هم با کادر محتویه آن طبق ملزومات اداری کشورسر از نو تدوین و توأم با بودجه پیشکش شد. همچنان قانون محاسبات عمومیه و تشکیلات و وظایف دیوان محاسبات نو بنیاد را تکمیل و غرض تصدیق پارلمان به مرجع اش تفویض گردید.گویا همه آن ناممکنات را بیاری خدای متعال وجه و صبغه امکان داده شد. با افزونی دو صد میلیون افغانی دیگر در سال مالی 1334 ارقام بودجه دولت را به بیش از یکهزار و سه صد میلیون افغانی بالغ ساختم و از اینطریق این کشور باستانی از آن جمود و خمود که در مدت بیش از 24 سال دور زمامداری خانواده شما مواجه بود ،بدر آورده شده به مرحله انکشافات رسانیده شد.

معذالک چون همه اینکار ها و تغیرات روی ضرورت اصلی انکشافی کشور که قرنها از قافله عصر عقب مانده است ،یک وجه و صبغه مؤقتی داشت . بنابرین بایست به آن قدم ها قانع نشده ، روی ایجاب ضرورت های عصر قدم های فراتر را بر میداشتیم . این بود که پلان یکساله را (در حقیقت بودجه پلانیست که یک سال آینده را پیش بینی میکند) به پلان پنجساله ارتقا دادم. جنبه انکشافات اقتصادی روی همین اهداف دقیقاً تنظیم و تدوین شد بشما قرائت میکنم . این را نیز باید واضح کرد که پلان اقتصادی ما ،در پول افغانی صد در صد ودر اسعار خارجی بیش از شصت و شش در صد متکی به منابع و دارایی خود کشور بوده ، چنانکه از قرض داخلی و نشر نوت در تمویل آن احتراز شده است. از نگاه مخارج اسعار خارجی هم کمتر به منابع بیرونی اتکا دارد. بنا برین تطبیق آن حکومت را به دردسر و مخمصه مواجه نساخته، بلکه از چنان پرابلم ها ومخمصه هایکه سالهای سال گرفتار آنبود، بدر کرده و میرهاند . درین پلان موازی سکتور عامه به سکتور خصوصی هم امکانات سرمایه گذاری ها داده شده است !

باری بعد توضیحات فوق که بیشتر آن با صدای بلند ادا میشد، در دو برادر سکوتی برپا شد . من از همین فرصت کوتاه استفاده کرده، به شاغلی عبدالله خان یفتلی باز دستور دادم که پلان را بخواند . وی بخواندن آن آغاز نموده تا وقت طعام نهار که اکثراً به ساعت یکنیم بجه روز صورت میگرفت، مقدمه و مؤجبه پلان با قسمتی از متن اصلی آن قرائت شد . من در قسمت های لازم شفاهاً روشنی می انداختم و توضیحات میدادم . گویا بدین شکل پلان اول مورد مذاکرهء کابینه قرار گرفته ، بعد از آن کسی برین کارم معترض نگردید !

وقتیکه جهت صرف طعام جلسه را موقتاً ترک گفتیم ، روی میز نان نیز همه یکجا بودیم. اما بعد نان پیش از آنکه به سالون جلسه برگردیم . دو برادر (داود و نعیم) با هم نجوا نمودند. بعداً داود خان بمن نزدیک گردیده، اظهار کرد: « شما خود در محتوی پلان بدرجه کافی وارد هستید. چنانچه تا بحال بوقت قرائت پلان همه توضیحات مربوط موضوعات طرف مذاکره را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

شخصاً جواب میدادید . چه میشود که اینعده همکارانت در یکی از اطاق های بیرون از جلسه قرار داشته باشند ،و عندالضرورت یکایک به مجلس فراخوانده شوند.»

مقصدم از اشتراک اینعده همکارانم در مجلس وزرأ، اولاً قدردانی از مساعی ایشان در تنظیم و تدوین پلان بود. ثانیاً ایشان به رأی العین ملاحظه کنند که من برای انکشاف کشور بچگونه موانع و مخالفت ها مواجه میباشم ! و باز بکدام حد و درجه درین مبارزه خطر بار ثبات و از خودگذری دارم . چون در اشتراک چند ساعته این منورین هردو مقصدم برآورده شده بود ، بنا برین به همه آنها گفتم که در یکی از اطاق های مجاور منتظر هدایت من باشید .

بعد بازگشت به مجلس بار دیگر به قرائت و مذاکره پلان پرداخته و بدین وجه تا شام آنروز چند فصل مهم پلان قرائت و تصویب گردید. بقیه با جلسه های پیهم که سر از فردا جهت اینکار تشکیل میگردید، موقوف قرار داده شد.

شامگاهی بعد ختم مجلس من بسوی اطاقیکه متخصیصین مزبور در آن قرار داشتند رفته، اوشانرا مرخص نموده و با آنها خدا حافظی کردم. درین وقت عده ازین منورین و خدمتگاران صدیق کشور بمن نزدیک گردیده، با گرفتن دستهای من و یا پیش کردن دستهای خود بسوی چنه من با انتهای صمیمیت و خلوصیت و در عین حال عجز و انکسار برایم چنین گفتند :

(مبارزه امروزی شما را بچشم سر دیدیم. در حالیکه صدراعظم و برادرش پیوسته میکوشیدند تا مانع قرائت و تصویب پلان اقتصادی گردند ، شما علیرغم خواست و ارادهٔ ایشان به شدیدترین لهجه بر ایشان نهیب کشیده ، استدلالات خود را برین اربابان قدرت به کرسی می نشاندید. چنانچه ازینطریق اوشانرا مجبور به قرائت پلان نمودید. این مبارزه قهرمانانه شما موجب نابودی شما میگردد. حالانکه وجود شما برای این کشور بیچاره و خاصتاً برای حمایه ما که طبقه جوان و تربیه دیده این کشوریم، یک غنیمت و نعمت است. همین اکنون ما زیر حمایت شما قرار داریم و شما بودید که ما را به مقامات بلندتر قرار دادید و به موقعیت علمی ما ارزش بسزائی میدهید . نه تنها از ما در کارهاي عمده کشور مشورت میگیرید، بلکه همه ما را در ساحه تخصص ما به بهترین وجه بکار مي‌گمارید ، چنانچه از جمله ترتیب و احضار پلان اول اقتصادي بود. ما از این تصمیم واقفیم که فرماني علیه انتصاب ما به مقامات بالاتر از رتبه‌هاي ما به نام شما صادر شده و به شما دستور داده‌اند تا ما را از مقاماتي که توسط شما در آن قرار داده شده‌ایم، معزول ساخته از رتبه‌هاي ما بالاتر باید استخدام نگردیم. ولي شما با شهامت تمام به حمایت ما پرداخته محتوي فرمان را رد کردید و ما را همچنان در همان پست های باقي گذاشتید. ما در این وقت یگانه سرپرست و حامي خود شما را مي‌دانیم، از این رو از شما خواهش مي‌کنیم خود را در چنین مبارزه خطر بار قرار ندهید. زیرا ما مبارزه امروزهٔ شما را یك سربازي مطلق درك کردیم).

من به جواب این فرزندان نخبهٔ کشور اظهار کردم که شما با زیرکي دانش خود خوبتر درك کرده مي‌توانید که کشور ما اکنون به وضعي قرار دارد که یا سوي انکشاف اقتصادي و اجتماعي پیش مي‌رود، و یا عکس حال. این وضع کساد حتي بحران اقتصادي و استقلال سیاسي کشور ما را هم متزلزل ساخته به حالت بس خطرناك مواجه گردانیده است. پس براي نجات کشور یك فرد و یا افراد زیاد بایست قربان گردد، تا از این طریق جامعه را به طوري که از اسلاف خود گرفتیم با داشتن استقلال اقتصادي و سیاسي آن به اخلاف خود بسپاریم.

علیهذا ارادهٔ من در این راه قاطع و بدون تزلزل است، بدین معني که یا کشور را از مخمصه موجوده و سقوط محتمل آینده نجات مي‌دهم و یا خود قربان این مبارزه و جهاد بر حق مي‌گردم و بس؟!

باید گفت که هفت نفر آنها بعداً تا پست وزارت و حتي شاغلي عبدالله خان یفتلي تا پست معاوني صدراعظمي هم به ارتقاء رتبه و مقام نائل گردیدند؟! دیگران نیز در کشور وظایف عمده را در دست گرفته بودند.

حاصل مذاکره و قرائت پلان به طوري که از فرمان 108 مورخه 30 حمل 1335 صدارتعظمي که در ذیل عیناً نقل میشود، به چندین جلسه مجلس عالي وزرا صورت گرفته و در نهایت تصویب شد:

نقل فرمان:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

ع.ج. عبدالملك خان كفيل وزارت اقتصاد ملي!

پيشنهاد آن وزارت در مورد ترتيب پلان اقتصادي مملكت به مجلس عالي وزراء قرائت و بر حسب ذيل تصويب شد:

نمرة تصويب مجلس عالي وزراء (64 مورخه 20 حمل 1335)

"پلان اقتصادي مملكت كه از طرف كميسون توحيد و ترتيب پلان تحت مراقبت ع.ج. كفيل وزرات اقتصاد ملي ترتيب و تدوين گرديده است. به داخل (374) صفحه در طي ده جلسه از مجلس وزرا گزارش يافت. از حيث اينكه ترتيب پلان در مملكت بي‌سابقه است. وزرات اقتصاد ملي و كميسون پلان در تدوين آن صرف مجاهدت و مساعي نموده و با وجود فقدان وسايل و عدم موجوديت احصائيه‌هاي دقيق، به مدت كمي حاضر نموده‌اند. مجلس وزراء اين كوشش آنها را به نظر استحصان نگريسته، قابل تقدير مي‌داند و براي اجراي عملي شدن پلان مراتب آتي را تصويب مي‌نمايد:

1- يك نسخه پلان به غرض ملاحظه و تصويب به شوراي ملي ارسال گردد.

2- براي اينكه وزراتخانه‌ها و دواير مربوطه از وظايف و تكليف‌ها و اجراآت خود مطلع بوده پيش از پيش آماده اقدامات و اجراآت باشند . يك نسخه از قسمت مربوط پلان به عنوان وزراء و رؤساي مربوطه رسماً ارسال گردد.

3- چون وضع ترانسپورت مملكت اصلاحات و انكشاف عاجلي را ايجاب مي‌نمايد و به عرض عملي شدن اين نظر منظور در پلان اقتصادي تأسيس يك مؤسسه پيش بيني شده است در بين تمام شقوق نقليات و مؤسسات و اشخاص انفرادي كه به امور ترانزيت و ترانسپورت زميني و آبي و فضايي مصروف‌اند. مناسبات و هم‌آهنگي درستي را استوار بنمايد. عليهذا مجلس عالي وزراء تأسيس عاجل اين اداره را به عنوان (د ترانسپورتو رياست) تصويب مي‌نمايد. وزارت اقتصاد ملي به سرعت ممكنه وظايف تشكيلات و بودجه آن را ترتيب و به مجلس عالي وزراء تقديم نمايد تا بعد منظوري در زير فرمان پادشاهي مراتب تأسيس آن عملي گردد.

4- دفتر پلان و پروژه‌هاي اقتصادي تحت اداره شاغلي معاون اول كه، به حيث وزير پلاننگ ايفاي وظيفه مي‌نمايند، مسئول مراقبت و اجرا و تعقيب امور پلان مي‌باشند. وزرات خانه‌ها و دواير مربوطه و مؤسسات كه در انكشاف اقتصادي مملكت سهم دارند، مكلف مي‌باشند ، احصائيه‌ها و معلومات و سروي ، پروژه‌هاي مربوطه به پيشرفت پلان را با مشكلات عايده كه احياناً در تطبيق پلان به ظهور مي‌رسد، مرتباً به دفتر مذكور بسپارند. و هر نوع تعديلات و تغييراتي كه در ظرف مدت پلان در مورد هر يك از پروژه‌هاي مربوط پلان كه به صورت مستقيم و يا غير مستقيم به پلان تعلق مي‌گيرد و از راه دفتر مذكور به مقامات صلاحيتدار تقديم گردد.

5- براي اينكه مراتب پلان با يك هم آهنگي كاملي به سرعت لازمه پيش رفته و موانع و مشكلات مرفوع گردد، شوراي عالي براي امور پلان تشكيل گردد كه رئيس شوراي عالي پلان شاغلي صدراعظم و اعضاي آن شاغلو وزير خارجه معاون صدراتعظمي، وزير ماليه، وزير اقتصاد، وزير معادن و صنايع، وزير زراعت و كفيل وزرات فوايد عامه خواهد بود.

6- در دفتر پلان كميسوني براي تدقيق و مراقبت پلان تشكيل گردد كه اعضاي آن دايمي بوده و هر كدام آنها نظر به پيشنهاد وزير پلان و منظوري شوراي عالي انتخاب و تعيين شوند. علاوه بر آن متخصصين و صلاحيت داران فني وزراتخانه‌ها دواير و مؤسسات مكلف‌اند كه بر حسب تقاضاي دفتر پلان در جلسات كميسون هاي دايمي شركت ورزيده و نظريات خود را تقديم نمايند. لوايح و مقررات تشكيلات فوق‌الذكر هر چه زودتر ترتيب و بعد منظوري شوراي عالي پلان به معرض اجرا گذاشته شود.

مصوبه فوق از صحه اعليحضرت معظم گزارش يافته و تحت حكم 235/386 مورخه 27 حمل 1335 به صدارت ابلاغ گرديده است.

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مراتب به شما خبر داده شد که از فقرة اولي الي شش را بر وفق تصويب مجلس عالي وزراء اجرا و تعميل بنمايند. اوراق پلان که سر و آخر آن به مهر دارالانشاء مجلس وزراء نشاني شده است، با پنج ورق پلان که مهر شده است به ضميمه فرستاده شد، فقره اول آن به غرض تصويب شوراي ملي فرستاده شده است.

محمد داود

اين بود نتيجة گزارش پلان مجلس عالي وزراء که قسماً در فرمان فوق درج است. در وقت مذاکره پلان يعني قسمت‌هاي آن از قبيل توجه بيشتري که به انکشاف دهات و تشکيل کوپراتيف زراعتي و توزيع تراکتورها و غيره وسايل ترويج زراعت مدرن که خاصتاً در توسعه و انکشاف کشتمندي زمين‌هاي موجوده مد نظر بود . همچنان اصلاح و تقويه سيستم آبياري و توسعة دامداري و مرغداري و مبارزه با امراض دامها کذا ترويج و توسعه صنايع روستايي و از اين قبيل چيزها را حذف کردند. در قسمت اصلاح اراضي که از طريق وضع ماليات مترقي در پلان مد نظر بود، نيز نسبت به اينکه خود صدراعظم و خانواده شاهي در جمله مالکان عمده اراضي شمرده مي‌شدند، تعليقي به وجود آمد.

ماليات مترقي که بر عايد بيش در ساحه تجارت از هشتاد فيصد عايد خالص در ارقام عمده آن تجويز شده بود، نيز دست خورده نسبت‌هاي آنرا فرود آوردند. زيرا در اين مورد نيز خود خاندان شاهي روي سرمايه‌هاي عمده که در شقوق مختلف کشور به کار انداخته بود مکلفيت هاي بيشتر حاصل مي‌کردند.

همچنان قانون بانکي و قانون حماية ارزش مسکوك رايج افغاني را که متمم به تطبيق پلان بايست تصويب و تصديق گرديده و مورد تطبيق قرار مي‌گرفت به گوشه فراموشي قرار داده شد. زيرا اين قانون‌ها از يك سو در پول رايج معاملات مخفي و بدون قيد و ثبت در دفاتر تجارتي و ماليات را اجازه نمي‌داد و اجراي چنين کار را جرم ميگفت و عامل چنين معامله را مجازات مي‌نمود. در حاليکه پول هاي بيشمار خاندان شاهي توسط اجنت ها و دلالان ايشان در هر گوشه و کنار کشور براي استثمار مردم و سودخوري و سود پرستي مخفيانه به کار انداخته شده بود.

عليهذا تطبيق قانون‌هاي مزبور عليه منافع همين سودخواران و استثمارگران واقع مي‌شد. از سوي ديگر قانون حماية ارزش پول رايج نه آنکه قاچاق اسعار خارجي را به خارج به کلي قدغن کرده اجازه نمي‌داد، بلکه دستور مي‌داد تا همه آن ثروت هايي که در پيش از تطبيق آن قوانين به بانك‌هاي خارجه در حساب‌هاي شخصي انتقال يافته بود در ظرف سه ماه از تاريخ مرعيت آن قانون به کشور انتقال داده مي‌شد. در حاليکه به صدها مليون دلار حساب هر فرد خاندان شاهي توسط سردار محمد هاشم خان صدراعظم وقت و عبدالمجيد خان زابلي وزير اقتصاد آن و بعدتر ذريعه ديگر افراد خاندان شاهي و عوامل پيرو زابلي به بانك‌هاي سوئيس و امريکا نقل يافته و به حساب ايشان همه ساله پيوسته نفع مي‌آورد. بنابر اين دو قانون نيز به منصة تطبيق در نيامد.

من در اهداف استراتيژيکي خويش تطبيق چيزهاي فوق را به مرحله‌هاي بعدي در آورده، روي مانع ومشکل که با شرح تذکر يافته به پيش آمد، در مرحله اول عبور و تصويب ديگر اقسام و اهداف انکشافي پلان را ظفر بزرگ دانسته، و بر آن مخالفت‌هاي صدراعظم و برادرش مقابله نکردم. زيرا مي‌دانستم که بعد از تطبيق پلان انکشافي ولو که به هر سويي باشد به خود سری ها و بي‌تعليقي‌هاي اين دستگاه حاکمه خاتمه داده مي‌شود و کشور به وضعي در خواهد آمد که اين استثمارگران عصر اتم خواه نا خواه (طوعاً و کرهاً) سياست پوسيده قرون وسطايي خود را تغيير داده به استقامت جريانات عصر حاضر رو آورند.

چنانچه بعد از تصويب پلان اول اقتصادي عليرغم انحرافاتي که از اهداف آن پلان در غيبت من به عمل آوردند. جريان سيستم پلان گذاري را که براي انکشافات کشور در اثر ابتکار من مورد عمل قرار گرفت، از بين برده نتوانستند و مجبور شدند که بعد ختم مدت پنج ساله پلان اول با همه ناکامي‌هايکه در تطبيق آن پلان روي انحرافات عمدي خود مشاهده کردند. تشبث براي ترتيب پلان دوم بعمل آورده، و با روس‌ها پلان مزبور را طرح وتدوين کردند. زيرا خود قدرت و لياقت ابتکار نداشتند. در حاليکه روي بنياد اساسي و حسابات پلان اول طرح و تدوين پلان دوم نزد من کاری بود بس سهل . پلان‌هاي بعدي هم تا همين اکنون

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

يكي از پي ديگري به صحنه مي‌آمد. ولي افسوس كه همة اين پلان‌ها روي غرض شخصي همان دسته‌هاي معين رويكار و صاحب اقتدار طرح يافته مورد تطبيق قرار گرفت.

بنا برين آن اهدافی كه در پلان اول پی ريزی شده بود، با خود آن پلان از بين رفت . بالنتيجه همه آن مراحلی را كه انكشاف كشور بر اساس دوكتورين علمي فريدريك ليست موافق به طبيعت اصلي كشور ما و ضرورت حياتي اين جامعه تجويز كرده بودم و در آن به طوريكه در پيش از اين تذكر داده‌ام سه مرحله (زراعت، - زراعت و صنعت ،- زراعت، صنعت و تجارت) علي المراتب طي ميشد. مورد رعايت قرار نگرفت . يا از آن ثروت‌هاي استفاده سوء به عمل آمد و يا سرمايه‌گذاري‌ها عوض انكشاف اقتصادي به اهداف استراتيژيكي صورت گرفته و نتيجه آنچنان شد كه با همه سرمايه‌گذاري‌هايي كه به استهلاك مليارد‌ها دلار از ثروت خود كشور و قسماً با قرضه هاي كمرشكن خارجي صورت گرفته است، هنوز كشور قادر نيست كه، لااقل در ضرورت‌هاي بسيار ابتدايي هم متكي به خود باشد . في‌المثل گندم، روغن، صابون، شكر، سمنت ،كود كميائي، قماش‌ها(كارآمد زنده گان و كفن مردگان) كاغذ و مواد پتروليم (از 20 سال پيش ذخيره‌هاي پطرول در كشور كشف و ثبت شده محض استخراج و تصفيه مي‌خواست) پيهم با خرچ اسعار زياد از بيرون وارد كشور ميشود. رشد توليد سالانه مواد غذايي به طوريكه بيش از اين گفته شد بيش از يكنيم فيصد نبوده و اين رقم با رشد نفوس كه همه ساله بيش از دو فيصد مي‌باشد ، هيچ هم آهنگي و سازگاري ندارد.

در حاليكه اگر پلان اول اقتصادي آنگونه كه من آنرا تجويز و تنظيم كرده بودم، مورد تطبيق قرار مي‌گرفت، و پلان‌هاي بعدي نيز در اين مدت بيش از ربع يك عصر كه از شروع پلان تا همين اكنون مي‌گذرد(1956- 1980) طرح و تطبيق مي‌گرديد. البته كه امروز كشور از مرحله«زراعت» عبور نموده، به مرحله «صنعت و زراعت» در مي‌آمد. و بالنتيجه نه آنكه ما در بسا موارد مكتفي به خود مي‌بوديم، بلكه بسي از مواد مستحصيله را به خارج هم صادر مي‌كرديم؟

به همه حال پلان اول اقتصادي به شكلي كه گفته شد، بعد تصويب مجلس عالي وزرا به پارلمان تقديم شد. اين خاندان مسلط بر جامعه افغاني مي‌خواستند كه اينبار در شوراي ملي برخي از وكيلان چاكر منش و دست نشانده خود را عليه پلان به كار برده و از اينطريق پلان را از پارلمان مسترد كنند. اما از آنجا كه در آن دوره (دوره نهم) پارلمان عده‌اي از منورين نيز بوكالت پارلمان برگزيده شده بودند. بناء عليهذا و كلا به اكثريت تمام تدقيق پلان را پيش از آنكه در پارلمان قرائت گردد، به عده‌اي منورين كه به راس آنها پروفيسرفقير محمد شفا و پروفيسر اسمعيل علم قرار گرفت، حواله كردند. كميسيون تدقيق پلان كه عدة آن به پنجاه نفر ميرسيد، نخست پلان مزبور را به دقت مطالعه نموده، مورد تدقيق عميق قرار دادند. بعداً وقتي كه من به كميسون حاضر شدم ،از من دقيقاً در هر مورد و موضوع شامل پلان ، برنامه‌ها و افاده‌هاي مختلف پرسان‌ها كردند و من پيوسته به جوابها مي پرداختم. سؤال‌هايشان همه روي اصل منطق و علم بود . بنابر اين وقتيكه جوابات به عين سويه وكل و حسب **مطلوب ايشان ارائه ميشد،** بر آن قناعت ورزيده به من موقع ايراد بيانيه مختصر مربوط به پلان اقتصادي و علت طرح و بنيان‌گذاري‌ها را دادند.

در ختم اين بيان كه خود روشنگر خطوط برجسته پلان و سياست اقتصادي آينده كشور بود. بيشتر به طمانيت و جلب نظر اين عده نخبهٔ پارلمان مؤثر واقع گرديد. نه آنكه اين انجمن پلان مزبور را مورد تأئيد و تصديق قرار دادند. بلكه به وقت مذاكره و قرائت پلان در محضر عمومي وكلاي شوراي ملي، هر يك از اعضاء موصوف انجمن شك و شبهه ديگر وكلا را نيز برطرف نموده، خود در پي دفاع از محتوي پلان شدند. و بدين وجه وقتي كه صدراعظم و بنده به مجلس عمومي حاضر شديم. صدراعظم روي آنچه من برايش حاضر كرده بودم، بيانيه ايراد كرد و در آخر گفت همة پرسش‌هاي خود را از وزير ماليه و كفيل وزرات اقتصاد ملي بكنيد. زيرا من در اينكار وارد نيستم! صدراعظم بعد از ايراد بيانيه مزبور شوراي ملي را ترك گفته، مرا در محضر وكلا بگذاشت. من به جواب پرسش‌هاي اعضاي مجلس عمومي نيز مقنعانه پرداخته، بعد قناعت همه با اكثريت كامل پلان مراحل تصويب و تصديق پارلماني را نيز گذاشتاند.

نقل تصويب تاريخي 21 اسد 1335 شوراي ملي، راجع به پلان پنج ساله انكشاف اقتصادي:

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

(1) فينانسمان پلان پنج ساله كه طبق تشريحات مندرجه قرار تاريخي 29 اسد كميسون مشترك از سال 1335 الي اخير سال 1339 حاوي مبلغ (11،924،784،000) افغاني مي‌شود موافقت و تصويب مي‌شود.
(تبصره: در اين مبلغ تخصيصات مربوط به بودجه ملحق تصدي‌ها شامل نمي‌باشد، مجموع بودجه شامل پلان با مؤسسات و تصدي چهارده مليارد و نه صد مليون افغاني مي‌شد.)

(2) بودجه سال 35 13پلان كه طبق توحيد موازنه عمومي بودجه سال 35 كه عبارت از مبلغ (882،456،000) افغاني (مربوط به انكشافات) بوده و منجمله مبلغ (401،025،650) افغاني آن قبلاً به مجلس 27 برج اسد شورا به تصويب رسيده است. تأئيد و تصويب ميگردد.
(تبصره: بودجه مربوط به پلان اقتصادي در اين سال شش ماهه بود كه از ميزان تا برج اخير حوت ادامه مي‌يافت. زيرا سال‌هاي پلان گذاري از ميزان يك سال تا ميزان ديگر سال مد نظر بود. در شروع سال 36 نيز يك بودجه موقت شش ماهه كه از اول حمل تا شروع ميزان يك مدت را در بر مي‌گرفت،ترتيب و به شورا تقديم گرديد. اما از برج ميزان 1336 به بعد بودجه سالانه ترتيب مي‌شد)

(3) در اثر اجراي پلان پنج ساله موادي كه در قوانين و اساسنامه‌ها تعديل پيدا مي‌كند، دولت مطابق تعديل ماده (51) اصول اساسي تعديلات آن مواد را ترتيب داده به تصويب مجلس شوراي ملي تقديم دارد.
شاه در وقت توشيح پلان مربوط به پلان اقتصادي چنين اظهار نمود:

پلان پنج ساله را كه در اين اواخر حكومت به غرض آبادي و پيشرفت كشور طرح نموده، به نگاه ما نتايج سودمندي بار مي‌آورد. در اين پلان توسعه معارف، مجادله با بيسوادي، حفظالصحه عامه، تقوية بنيان مالي و اقتصادي كشور، استفاده از ثروت‌هاي طبيعي، انكشاف زراعت و صنايع، تمديد و ترميم جاده‌ها پيش بيني گرديده. اميدواريم با عملي شدن اين پلان به توفيق الهي و همت هموطنان، آرزوهايي كه براي سربلندي و بزرگي ملت خود داريم، تا حدي برآورده شود.

(محمدظاهر شاه)

فرمان صدارتعظمي مربوط به تطبيق پلان اول انكشاف كشور

نمبر فرمان 584

مورخه 27 سنبله 1335

ع. ج عبدالملكخان وزير ماليه!

پلان پنج ساله اقتصادي كه چندي قبل جهت طي مراحل قانوني به شوراي ملي فرستاده شده بود. اخيراً مراحل قانوني خود را طي و به منظوري حضور مبارك شاهانه رسيده است. از آنجا كه لازم است پلان مذكور بدون معطلي و فوت وقت به معرض اجرا گذارده شود. لذا به فرمان هذا به شما هدايت داده مي‌شود كه از تاريخ اول ميزان 1335 پلان مذكور را منظور دانسته و راجع به اجراي آن به وزارت و دوايرذيعلاقه اطلاع و هم تخصيصات بودجه سال اول پلان مذكور را هر چه زودتر به دسترس استفاده وزارت و دوايرمربوطه بگذاريد. تا بعون‌الله تعالي شروع به تطبيق و اجراي آن بنمايند.

محمد داؤد صدراعظم

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

باري پلان اول اقتصادي به طوريكه شرح ، طرح ، تنظيم ، تدوين، تدقيق ،تصويب و غور و تصديق آن در مراحل مختلف فوقاً حكايه شد. مراحل تقنيني و توشيح خود را با همه مشكلاتيكه در پيش راه داشت، طي نموده و به مرحلة تطبيقي خود درآمد. گويا خلاف تصورات فاضل محترم حبيبي اينكار بس مهم و سترگ به فضل و ياري خداي توانا وجود خارجي يافته، جنبه عرض رويائي را نداشت و يا به افاده ديگر انباني نبود تحت عمل دباغت سطحي كه بعداً با پف اما سيده شده باشد، بلكه اديمی بود كه با كمال دقت مراحل كامل دباغت خود را طي نموده، بعد به رنگ زيبا و بوي خوش اطعمه گوناگون مملو و آراسته گرديده بود.

اينكه بعداً به طرح آن پلان چه بلاها آمد و خود پلان چه دست‌ها خورد و از اين طريق چگونه انحرافاتي از آن اهداف والاي كه شامل چنان يك پلان بي بديل شده بود، عالماً و عامداً به عمل آوردند،گناه كيست و جرم و جنايت كدام دست‌هاي خيانتكار؟! با اينكه من خود و خانواده خود و حتي همكاران خود را به خطر انداختم . اما در عمل نتوانستم مانع مداخلات عنودانه و بي‌خردانه ايشان شده افكار منفي را كه اوشان به ضد انكشاف كشور و ترفيه مردم ما در سر مي‌پرورانيدند از بين ببرم.

چنانچه بعد از ترور و حبس من آنچه مي‌خواستند عليه اين پلان موزون انكشافي كشور مورد عمل قرار دادند و تازه شايد اين توضيحات مستدل و جوابگوي مكمل آنچه شاغلي عبدالحی خان حبيبي پيش از ترتيب تدوين پلان در مقالة خود نوشته بود، شده باشد.[1]

---

[1]- رجوع شود به مقاله مرحوم عبدالحی حبیبی در اخبارآزاد افغانستان مورخه12 دسامبر1954

دنباله دارد...

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ